

پژوهشی در ساختار و متون آموزشی حوزه

محمدابراهیم محمدی

زالال آن سیراب گشته‌اند اما... این بهره‌مندیها و این احترام‌های لازم و بایسته و این کرنش و فروتنی و ... ما در پیشگاه آن اندیشه‌های بالنده، ما را از این باز نمی‌دارد که برای تشکیل و

برای ورزیدگی ذهن، باید معانی متین و وزین باشد نه عبارات سنگین و ناموزون به میزانی که وقت و انرژی فکری ما در فهم لغات غریب، وحشی یا ترکیبات ناموزون صرف شود. باید وقت خود را به فرموده اسناد محمد تقی جعفری در گسترش معانی گذرانند.



در یک نگاه کلی و گذرا آنچه به ذهن تبادر می‌کند، این است که مراکز علمی-فرهنگی و آموزشی جهان هر از چندگاهی دستخوش تغییر و تحول شده و تجدید نظرهایی در آن صورت می‌پذیرد که در این میان بعضی از برنامه‌های آموزشی، بازنگری شده و برنامه‌های آموزشی جامع‌تری جای آن را می‌گیرد.

در مسیر تحول و بازنگری، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، متون آموزشی مربوطه است. متون آموزشی که بی‌تردید در رشد و بالندگی دانشجو تاثیر بسزایی دارد در محافل علمی و تحقیقی آنچه بیش از هر چیز در دستور کار دست اندرکاران و کارشناسان مربوطه قرار دارد، همین مهم است. چه بسا متون آموزشی که سالی نیا انجامیده تغییر کرده و جای خود را به بهترین‌ها می‌دهد و تشکیل گروه‌های بررسی مواد و متون آموزشی، خود گویای این مطلب است. این نوشتار بر آن است که تحلیلی گذرا بر برنامه و متون آموزشی - متداول - در حوزه‌های علمیه داشته و نظر و توجه دست‌اندرکاران امور آموزشی حوزه را بدین مهم معطوف دارد.

تحقیقاً حوزه‌های علمیه شیعی که به حق، از بزرگترین مراکز آموزشی تحقیقی، علمی در جهان اسلام است،

بهبود بخشیدن به کتابها و متون آموزشی، کوشش کنیم، بویژه وقتی که این امکان پیدا شود که نوشته‌ها و کتابهای درسی با توان بیشتر بر انجام نقش علمی در آماده‌سازی دانشجو برای مراحل بالا و رشد دادن به وی گردآوری گردد.

بدین سان روزگاری بود که عوامل بسیاری ما را وادار به اندیشیدن، پیرامون تبدیل کردن این متون به متون‌های درسی دیگری می‌ساخت؛ متون درسی که به راستی دارای شیوه‌های بایسته برای این کار باشد.

حقیقت این است که کتابهای موجود در حوزه، پایگاه دانشی خود را دارا هستند و از ویژگیهای مطلوب - ذیل - برخوردار می‌باشند:

نقش بزرگی در بالندگی علمی دیگر مراکز علمی و آموزشی داشته است و شایسته است که دست‌اندرکاران، کارشناسان و صاحب‌نظران امور آموزش حوزه بدین مهم ارج نهاده و با بازنگری در متون و برنامه‌های آموزشی، این گنجینه بزرگ علمی، آموزشی را پر یارتر نمایند. بر کسی پوشیده نیست که نظام آموزشی موجود، محصول تفکر و اندیشه سترگ دانشمندان و اندیشمندان پیشین حوزه است، آنها بودند که با اندیشه ژرف خویش، معارف عمیق حوزه‌های علمیه شیعه را رونق بخشیدند و ما را نشاید، جز اینکه از خدا بخواییم ارواح پاک آنها را منور و خجسته گرداند، زیرا آنان بر خون پر برکت آن اندیشه‌های سترگ نشستند و از چشمه



۱. به گونه‌ای همگانی و روی هم رفته با توجه به شرایط تاریخی‌شان کتابهای نوآوری شمرده می‌شوند که تا اندازه بسیاری در تکامل اندیشه علمی شرکت جسته اند و هر کدام سهم ویژه خود را دارا هستند.

۲. برگزیدن کتابهای موجود برای متون آموزشی احتمالاً پیامد عامل مشترکی است و آن احساس ژرفی است که هر کدام در هنگام نشر در نزد دانشوران برانگیخته و ایشان را متوجه اهمیت علمی آن ساخته است.

۳. هر کدام حاوی اندیشه و نکته‌های تازه‌ای است که در زمان انتشار برای نخستین بار مطرح می‌شده است.

۴. برخی از این کتابها امتیاز دیگری نیز دارند که عبارت است از: ایجاد در عرضه کردن مطالب و فشرده‌گی در پروراندن آن، و این ویژگی از آن بعضی از متون درسی مرسوم در حوزه است مثل: صمدیه (در ادبیات)، حاشیه (در منطق)، کفایة الاصول (در اصول) و... ولی اینها همان‌گونه که پیشتر گفته شد، ما را از این باز نمی‌دارد که برای تکمیل و بهبود بخشیدن به کتابهای درسی کوشش نکنیم.^۱

تردیدی نیست که هم در بعضی از برنامه‌های آموزشی حوزه و هم در بعضی از متون تدوین یافته آن چون دیگر مراکز علمی-آموزشی، اشکالات و ضعف‌هایی چند وجود دارد که از جمله آن عدم نوآوری در متون آموزشی به اقتضای پیشرفت‌هایی که در دیگر

محافل آموزشی صورت می‌پذیرد و به عبارت دیگر عدم تغییر، تحول و اصلاح متون آموزشی و برنامه‌های آن است. چه اینکه به فرموده رهبر اندیشمند و آگاه: «این متون آموزشی موجود نباید، بدون حتی کمترین اصلاح و بازنگری همچنان مورد استفاده واقع شود... این طور نیست که حتماً باید از طریق این کتابها جلو رفت. باید سعی شود که نکات قوت و ضعف این کتابها را پیدا کنیم و به جای آن، کتب کامل‌تر که از نواقص کمتری برخوردار باشد، در اختیار طلاب بگذاریم. باید نگاه نوی بیافکنیم که آیا همین ترتب علمی درست است یا درست نیست، اگر یافتیم که درست نیست شکل درستش را پیدا کنیم. به هر روی باید هیأت‌ها و گروه‌های مخصوصی باشند برای نوشتن کتاب، مطالب جدید، و چگونگی روشهای نو را در کتابها بکار گرفتن»^۲

در حوزه‌های علمیه باید ترکیبی از صاحب‌نظران و استادان حوزه که در رابطه با متون درسی حوزه طرح دارند راجع به اصلاح یا جایگزینی کتابهای کتب درسی به مشورت بنشینند. البته در پاره‌ای موارد این کار صورت پذیرفته است ولی از آنجا که اکثراً کار فردی بوده- بازده کاری خوبی نداشته است. برای نمونه در مقطع ادبیات عرب، بیان، منطق و اصول این کار در حد اصلاح و بعضاً جایگزینی آن صورت گرفته است نظیر القواعد الاساسية و مهذب به جای سیوطی و معنی، منطق مظفر به جای حاشیه ملا عبدالله «ره»، اصول فقه به

جای قوانین مرحوم میرزای قمی «ره» و... اما با همه وجود کار اساسی که باید راجع به تحول دروس و برنامه آموزشی حوزه و ... انجام بگیرد تاکنون انجام نگرفته است، البته این مهم، اراده مصمم و حمایت دست اندرکاران حوزه را می‌طلبد که با شورایی کردن یا به فرموده رهبر معظم انقلاب- ایجاد هیأت‌های مخصوص برای نوشتن متون جدید آموزشی یا اصلاح آن جامه عمل ببوشد.

از دیر باز در حوزه‌های علمیه، اندیشه‌ای موجود است که نباید دست به ترکیب، اصلاح و بعضاً تعویض متون آموزشی حوزه زد، و اگر ترکیب هم انجام گیرد خلاف سنت عمل شده و نباید اجازه داد افکار و اندیشه و سلیقه‌های جوراجور عمل شود بلکه همین روش و شیوه‌ای که در حوزه‌ها است شیوه سلف صالح است و مخالفت با آن روانیست. آنچه می‌توان در پاسخ به این اندیشه داد این است که درست است که ما هر چه داریم از سلف صالح است و ذخایر ارزشمندی از آن بزرگان به ما به ارث رسیده است اما این اندیشه نباید جنبه افراط به خود بگیرد و خود سدی باشد در مقابل پیشرفت ما، وانگهی اگر آن بزرگان علم و وارستگان دانش هم امروز در جامعه ما بودند، با وسعت دیدی که داشتند خود اولین کسانی بودند که سنت شکنی می‌کردند و اولین قدم آنها تغییر شیوه‌ها و متدهای آموزشی تدریس و متون درسی بود، اما متأسفانه ما، بخاطر اینکه هتک حرمتی به آن بزرگان

صورت نگیرد، سنت شکنی را روا نمی‌دانیم.

ما از این برداشت خویش نیت خیر داریم، اما نمی‌دانیم که این نیت خیر مسیر اشتباهی را طی می‌کند و خود عاملی برای رکود و یا عدم پیشرفت به شمار می‌رود؟ بنابراین شایسته بلکه سزاوار است صاحب نظران برای تحقق این مهم برنامه‌ریزی کنند و نگذارند حوزه علمیه شیعه با این همه گنجینه‌های وسیع از مراکز علمی و تحقیقی جهان عقب بماند.

به فرموده رهبر معظم انقلاب:

«گنجینه‌ای با این عظمت - حوزه‌های علمیه - که حالا در اختیار ما و جهان اسلام است، قاعدتاً اگر در هر جای دنیا چنین گنجینه‌گرانبهایی وجود داشته باشد شب و روز برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند و برای هدایت و تقویت آن لحظه‌ای غفلت نمی‌کنند حالا ما برای حوزه‌های علمیه مان چقدر برنامه‌ریزی می‌کنیم؟ چه کسی این برنامه‌ریزی را انجام می‌دهد؟ چند درصد وقت بزرگان و برجستگان حوزه و روحانیت صرف برنامه‌ریزی برای این مهم می‌شود. آیا به اندازه یک اداره کوچک یا یک امر دنیایی و یا یک دانشگاه کوچک برای حوزه علمیه برنامه‌ریزی منظم انجام می‌گیرد... تحقیقاً نه. ممکن است یک فرد برای درس خودش فکر کند که تا آخر سال چه مسائلی را مطرح کنم به چه نحو مطرح کنم و به کدام کتابها مراجعه کنم، این کجاو برنامه‌ریزی برای حوزه کجا؟ امروزه شیوه تغییر و تحول تکاملی

در تمام مراکز علمی و تحقیقی جهان معمول و متداول است ولی متأسفانه در مراکز درسی و پژوهشی ما به کار گرفته نشده و همین سبب تعجب اندیشمندان جهان گردیده که چگونه امکان دارد تحولات و دگرگونیها در شیوه آموزشی و مسائل مربوط به آن هیچ تغییری در آن ایجاد نکند؟

و این بدین معنی است که قائل شویم تغییر شرایط زمان از نظر کیفی و کمی و پیشرفت شیوه‌های آموزشی و پژوهشی هیچ‌گونه تأثیری در آنها ندارد با این که چنین گفتاری نادرست و بر خلاف ضرورت است»^۴

در مجموع می‌توان بیان داشت که در حوزه، بحری از حقایق نهفته است. ولی لازم است با طرح‌های نوین آموزشی از آن بهره لازم گرفته شود.

ضرورت‌ها و بایدهای تحول از جمله مسائلی است که دست اندرکاران امور آموزشی حوزه عمیقاً به آن رسیده و به اهمیت آن پی برده‌اند و به جرأت می‌توان ادعا کرد که در این ارتباط کمتر کسی را می‌توان یافت که مخالف این موضوع باشد؛ بلکه همگان در این مسأله اتفاق نظر دارند؛ چرا که همه بر ضرورت این مهم - بازنگری و اصلاح - اذعان داشته و دارند. بلکه آنچه مورد بحث و گفتگو است عبارت است از محدوده و یا به عبارتی کمیت و کیفیت این بازنگری و اصلاح است و کسی باید مسؤولیت این مهم را به عهده بگیرد که بتواند به صورتی عمیق و کارشناسی در ارتباط با موضوعات اصلاحی و بازنگری

به فرموده رهبر اندیشمند و آگاه: «این متون آموزشی موجود نباید، بدون حتی کمترین اصلاح و بازنگری همچنان مورد استفاده واقع شود... این طور نیست که حتماً باید از طریق این کتابها جلو رفت. باید سعی شود که نکات قوت و ضعف این کتابها را پیدا کنیم و به جای آن، کتب کامل‌تر که از نواقص کمتری برخوردار باشند، در اختیار طلاب بگذاریم. باید نگاه نوی بیافکنیم که آیا همین ترتیب علمی درست است یا درست نیست، اگر بیافتیم که درست نیست شکل درستش را پیدا کنیم. به هر روی باید هیأت‌ها و گروههای مخصوصی باشند برای نوشتن کتاب، مطالب جدید، و چگونگی روشهای نو را در کتابها بکار گرفتن»

تحقیق و مطالعه کافی را داشته باشد. دست‌اندرکاران و مسؤولین امور آموزشی حوزه نیز به این مسأله وقوف یافته‌اند که طلبه امروزی چون طلبه دیروزی نیست و انتظاراتی که از طلبه امروزی می‌رود غیر از آن انتظاری است که از طلبه صد یا دویست سال و ... پیش می‌رفت. بنابراین نمی‌بایست متون آموزشی را که برای صد یا پتجاه سال پیش بوده، برای طلاب و دانش پژوهان عصر حاضر مورد استفاده قرار داد؛ چراکه طلبه



امروزی باید دارای تفکر بسط یافته‌تری باشد و هم اینکه محدوده و افق فکری او فراتر از آن فکری باشد که بر طلبه دیروزی حکم فرما بوده است.

طلبه‌های عصر ما با مباحث و تئوری‌هایی مواجه هستند که طلبه‌های روزگار گذشته یا اصلاً با آن مواجه نبودند و اگر بر فرض هم بودند، در محدوده‌ای بودند بسیار اندک که مشکلات آنان در زمان کوتاهی حل می‌شد. الان سئوالها بر محور حقوق سیاسی، اقتصادی، روابط سیاسی، حقوق بشر و ... است طلبه‌ها باید این امور را بدانند چه اینکه -به اقتضای زمان- با این مسائل مواجه‌اند و حوزه‌های علمیه باید به این گونه مسائل اهمیت بدهند. حوزه باید زمینه این کار را فراهم سازد و این تحقیقات در گرو اصلاح متون درسی است. لازم است مسائلی آموزشی-پژوهشی، متون درسی و برنامه‌های آموزشی و سبک‌های تدریس باقتضای زمان پیشرفت کنند و تجدید نظرها و بازنگری‌هایی در آنها به عمل آید. بی‌تردید نشان دادن چهره‌های بزرگانی چون: شیخ الطائفه طوسی، شیخ الفقهاء انصاری، حکیم و شیخ اسرارملاهادی سبزواری، علامه طباطبایی و ... به عنوان الگو و تألیفات گرانسنگ آنان برای طلاب و پژوهندگان جوان یاهداف و تشویق و ترغیب و ... اگر چه کار شایسته و لازمی است ولی هر گاه زمینه‌های رشد برای طلاب فراهم نباشد، ترسیم این الگوها کاری را از پیش نمی‌برد و گذشته از این، ترسیم الگو

خود کاری ظریف و قابل تأمل است. ترسیم این الگوها و عدم تبیین لازم در جنبه الگو بودن آنها سبب گردیده است که امروزه دهها بلکه صدها حاشیه خطی و چایی بر مکاسب، رسائل، کفایه و سایر کتب علمی نوشته شود بی‌آنکه در بسیاری از آنها سخنی نو و درمانی تازه برای دردها و نیازهای اسلامی جامعه باشد.

این است که صدها سال است در رابطه با مباحث فقهی و اصولی کار شده ولی امروز که نظام اسلامی می‌خواهد قضای اسلامی و اقتصاد اسلامی و دهها مسائل دیگر را در مرحله عمل به اجرا گذارد باصدها سؤال بی‌پاسخ مواجه می‌شود.^۵

ضرورتاً طلاب باید بر مبنای پیشرفت‌های زمان به پیش بروند و حوزه می‌تواند با ایجاد یک مجموعه منظم و اصولی خواسته‌های جامعه اسلامی را در زمینه‌های گوناگون فراهم سازد چه اینکه به فرموده مقام معظم رهبری: «در حوزه باید همانند یک مجموعه تولیدی منظم و اصولی کار کنند و به سؤالات مختلف در زمینه‌های قضایی، سیاسی، وظایف کارگزاران حکومت، روابط بین‌المللی - مسائل اقتصادی و پولی کشور و صدها مسأله دیگر که نظام با آن مواجه است از نظر کارشناسی اسلامی پاسخ دهد»^۶ فلسفه این تحول در این خواهد بود که طلبه امکان این را داشته باشد با دید و سیع و اندیشه‌ای ژرف - که از امتیازات حوزه‌های علمی ماست - راجع به

مسائل مختلف اعتقادی و مذهبی بیندیشد. از طرفی این خود، زمینه مطالعه و تحقیق در زیر بنای فکری و ... مکاتب ادیان و فرهنگ‌های حاکم بر آن را فراهم خواهد ساخت، چراکه حوزه با نظام کنونی آن - شاید به انجام وظایف اسلامی خود در جهان به علت آگاهی کامل و عدم توجه لازم قادر نباشد.^۷

نظام درسی به گونه‌ای است که فارغ التحصیلان آن، افرادی هستند که متخصص در شریعت می‌باشند که در اسلام آنگونه که ملاحظه می‌شود، دروس عقاید مورد اهمیت و توجه کافی قرار نمی‌گیرد، لذا کمتر شاهد تحول در علم کلام و فلسفه بوده‌ایم.^۸ چرا که بعضی از متون کلامی رایج در حوزه از جهات متعدد نیاز به بررسی و تجدید نظر دارند، مثلاً بعضی از مسائلی که در شرح تجرید مرحوم علامه مطرح است امروز مطرح نمی‌باشد و بعضی از آنها امروزه مورد ابتلاء نیست. بعضی از بحث‌هایی که مورد ابتلاء هست باید با بیان روز مطرح شود بعضی از مباحث نیازی به طرح و ... نبوده و مفروغ عنه است، مثلاً مباحثی چون جبر، اختیار و اعتزال و ... که مورد ابتلاء نیست، نباید مطرح شوند و در مقابل بعضی از بحثها و مسائل ضروری جدید وجود دارد که باید پژوهشگران علوم دینی به آنها آگاهی داشته باشد و با شیوه‌های نو و بدیع مطرح شود.

باید تا امکان دارد سعی شود متونی به عنوان متون آموزشی انتخاب شود که فهم معانی از عبارات آن به صرف وقت



و صرف نیروی معنوی زیاد نیازمند نباشد، در یک مقایسه‌ای گذرا بین دو متن آموزشی از نوع قدیم و جدید آن در علم منطق به این مطلب مهم خواهیم رسید که کدامیک برای این مهم -آموزش- مقرون به صرفه است. منطق مظفر کتابی است برخلاف حاشیه مرحوم ملا عبدالله، خوش عبارت و سهل التناول است و احتیاج به آشنایی به لغات غریب و حل پیچیدگیها و معضلات ترکیبی ندارد و همچنین آنچه در ارتباط با اصول آن مرحوم نگاشته‌اند. آیت‌الله شمس می‌فرماید: اگر در مورد کتابهای درسی، کاری نظیر کار مرحوم مظفر (ره) در اصول انجام شود، خوب است. کفایه کتاب بسیار خوبی است اما کتاب مشکلی است، رمز است. مکاسب و رسائل خیلی زاید دارد، نقل قول‌هایی است که نیازی به طرح آن نیست، اگر بشود اینها را به همان سبکی که مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی نظر داشتند در آورد خوب بود. مرحوم مظفر شاگرد ایشان بودند و از ایشان گرفته‌اند که بحثهای اصول باید منظم بشود، مباحث الفاظ، مباحث عقلیه، مباحث حجت و... باید مجزا بشود تا معلوم بشود طلبه‌ها چه می‌خواهند بخوانند اگر کسی پیدا شود که رسائل را به طوری خلاصه کند که زیاده‌اش را حذف کند نه لازمش را و همچنین مکاسب را ساده‌تر بنویسد خیلی بهتر از این است.^۱ مشکلات بعضی از کتاب‌ها به خاطر زمانی است که گذشته و ما نیاز به کتابهایی داریم که

دو جنبه داشته باشد -البته در مورد فقه- اولاً قواعد اصول فقه متداول و مورد قبول اصولیین متاخر در آن مطرح شود. ثانیاً بسیاری از فروع زاید حذف شود و مطالب پیشرفته فقهی جایگزین آن شود. برای ورزیدگی ذهن، باید معانی متین و وزین باشد نه عبارات سنگین و ناموزون به میزانی که وقت و انرژی فکری ما در فهم لغات غریب، وحشی با ترکیبات ناموزون صرف شود. باید وقت خود را به فرموده استاد محمد تقی جعفری در گسترش معانی گذرانند. ممکن است گفته شود اگر عبارات ساده و آسان شود در مدت ۲ سال یک دوره اصول تمام می‌شود خوب چه اشکال دارد می‌پردازیم به تاریخ، تفسیر و به ضرورت‌های دیگر: ضرورت‌هایی که جامعه ما به آن نیاز دارد.^۲ در حوزه باید درسهایی در بررسی ادیان جهانی باشد، طلبه‌ها اطلاعی از مکاتب یهودی، نصرانی، بودایی و مذاهب دیگر جهان داشته باشند. مادر حوزه بخش‌هایی را جمع به جریان‌های فکری و سیاسی معاصر از قبیل مارکسیسم، ملی‌گرایی و... نداریم و با توجه به روش موجود، حوزه هرگز نمی‌تواند برای جامعه اسلامی، علمایی که قادر به حل مشکلات آنان باشد تقدیم کنند. اگر اشخاصی هم توانستند به رهبری جامعه برسند از طریق کار فردی و نتیجه کوشش و تجربیات شخصی بوده است... در رابطه با تحول و بازنگری در

متون آموزشی حوزه نظریاتی چند به چشم می‌خورد که بیان بعضی از آنها خالی از فایده نیست. عده‌ای بر این باورند که نباید تحول و اصلاح در متون آموزشی حوزه صورت پذیرد با این توجیه که در عصر حاضر و بعد هیچکس نخواهد توانست بهتر از متون درسی موجود را تنظیم نماید و کسی که متون موجود حوزه را تنقیح و اصلاح کند وجود ندارد. بعضی هم بر این باورند که تغییر و اصلاح بعضی از متون درسی مانند ادبیات، منطق، معانی و بیان، فلسفه و تفسیر کافی است و نیاز به اصلاح و تعویض متون فقهی و اصولی نیست. با گذر از اشکالات و ضعف‌های متعددی که در متون ادبی و کلامی وجود دارد -که به پاره‌ای از آنها اشاره شد- آنچه در ارتباط با متون اصولی رایج در حوزه وارد است این است که تناسب و استاندارد لازم در ارتباط با آموزش و هدف در این بخش رعایت نشده، چرا که مقداری از علم اصول که در مرحله سطح به طلبه داده می‌شود، باید به تناسب هدف پیش‌بینی شده برای این مرحله تعیین گردد؛ یعنی پدید آوردن بی‌شعور عمومی از دانش اصول برای کسی که می‌خواهد به همین مرحله بسنده کند و آماده کردن برای ورود به درس خارج برای کسی که می‌خواهد پژوهش را دنبال کند. لازم نیست در این کتابها دیدگاه‌های گوناگون بررسی گردد، بلکه بهتر است که این فروع همگی به درس خارج موکول شود، زیرا کلیدهایی که یک پژوهنده



می‌گیرد برای کمک به او در جهت ورود بعدی به حوزه درس استاد خارج باید بسنده باشد. به عبارت ساده‌تر اینکه گستردن بحث‌ها به گونه‌ای افزون از اندازه نیاز برای مرحله سطح یا در پیش کشیدن نظریات و نقل دلیل‌ها و تکمیل نقض و ابرام‌ها بیرون از این مرحله است، چنانچه مثلاً نظریاتی که شیخ اعظم (ره) در رسائل در باب استصحاب برشمرده و یکایک را مفصلاً بحث کرده به چهارده نظریه رسیده که این خارج از حوصله سطح است و خلاف روش تدریس در دوره‌های سطح.

دیگر اینکه شیوه بکار رفته در نگارش مسایل و تبیین کردن هر مساله در زیر یکی از عناوین موروثی تاریخی در دانش اصولی به گونه‌ای نمایش دهنده واقعیت نیست، زیرا بحث اصول از خلال گسترش آن در روزگار وحید بهبهانی (ره) تاکنون موضوع‌های تازه و بسیاری را در ضمن بررسی مسایل موروثی-تاریخی بحث کرده و بسیاری از آن موضوع‌ها از جنبه فنی و عملی و... مهمتر از همه این مسایل است در حالی که در آن موضوع‌ها گنجانده نمی‌شود. در این زمینه می‌تواند مباحث عقلی گنجانده شود^{۱۱} اکثریت قریب باتفاق هم بر این باورند که متون درسی - به طور کامل - باید مورد بازنگری قرار گرفته و پس از بررسی‌های لازم در اختیار دانش پژوه قرار گیرد.

امروزه اصول ریاضیات همان اصول هزاران سال گذشته است ولی با این تفاوت که رشد بسیاری کرده و جلوه‌های

فراوان یافته است ولی محققان و دانش پژوهان امروز برای اطلاع یافتن به اصول و عمق ریاضیات هرگز به کتابهای غیرمنتقح هزار سال قبل مراجعه نمی‌کنند و فرزندان ما در مدارس مجبور نیستند اول کتابها و نظریات ریاضی ارشمیدس و فیثاغورث و ابن‌هیثم... را به ترتیب تعلیم ببینند و هر یک را مرحله به مرحله رد و ایراد کنند، بلکه محققان به شیوه‌های دقیق و منطقی، سیر کامل و لازم و متقحی را از ریاضیات تدوین کرده‌اند که در کوتاهترین زمان به شایسته‌ترین وجه آنان که از استعداد متوسطی هم برخوردار باشند می‌توانند ریاضیات را فرا گیرند و اگر چنین شیوه‌ای بکار گرفته نمی‌شد بدیهی است که در میان هزاران ریاضی‌خوان شاید یک نفر به نتیجه نهایی و قابل قبولی دست نمی‌یافت و آشفته‌گی‌های فراوان در متدها و نظریه‌ها پدید می‌آمد.

بدون تردید اگر فردی با متون و مواد درسی موجود حوزه‌ها بتواند در عرض ۳۰ سال به مرحله اجتهاد راه یابد، چنانچه متون و مواد درسی، تنقیح، تصحیح، تنظیم و تکمیل شود خواهد توانست در ظرف ده سال و یا کمتر به قدرت اجتهاد و استنباط احکام از منابع شرعی دست یابد.

وقتی سخن از تفسیر و تصحیح متون آموزشی به میان می‌آید به معنای عدول از مبانی علمی و کشیدن خط بطلان بر همه آرای پیشینیان نیست، بلکه به معنای کمال بخشیدن و به

کارگیری تمامی دانش و ذوق و ابتکار برای عرضه دقیق و منطقی مباحث است.

و اگر آن امام راحل هم بارها و بارها از فقه سنتی و فقه جواهری دفاع کرده‌اند هرگز منظورشان تکامل بخشیدن به کتب درسی نبوده و نیست، بلکه منظورشان حفظ اصول و مبانی و محتوای ارزشمندی است که در پرتو رنج و تلاش و اجتهاد فقهای بزرگ در طول تاریخ فقاقت شکل گرفته است. حضرت امام (ره) در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خود فرموده: «و وصیت این جانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است قیام برای نظام دادن حوزه‌ها لازم و ضروری است که علماء و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و برنامه دقیق و صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند».^{۱۲}

صاحب نظران نظام آموزشی بر این عقیده‌اند که اگر متون درسی در حوزه‌های علمیه در قالب و سبک‌های جدیدی ریخته شود، بازدهی خوبی خواهد داشت و در نتیجه طلبه در مسیر پژوهش خود موفقیت‌های زیادی کسب خواهد نمود. کتابهای موجود در حوزه - بدون استثنا - برای امر تدریس تدوین نشده‌است، بلکه اکثر کتابها حاوی مطالب نغز و پرباری بوده است که در خلال تحقیق گرد آمده است و سپس به



صورت کتاب درآمده است و بعضاً به صورت کتاب به زیور طبع آراسته شده‌اند. خود مؤلف هم برای چنین غرضی تدوین نکرده است ولی بخاطر اینکه حاوی مطالب مهم و اندیشه‌های ژرف و عمیقی بوده‌اند از دیرباز مورد عنایت بزرگان قرار گرفته‌اند.^{۱۳}

آیا می‌توان این کتابها را بدون اینکه ترتیب و اصلاحی صورت گرفته باشد در اختیار کسانی قرار دهیم که تازه می‌خواهند با این علوم آشنا شوند و اگر بعضاً هم این کتابها برای امر تدریس تدوین شده باشد آیا نباید بعد از دهها سال بازنگری در آنها بشود.

چرا که پس از گذشت تقریباً ۳۰۰ سال و بعضاً بیشتر از عمر بعضی از اینها، دیگر موقعیت درسی بودنشان را از دست داده‌اند و این باعث شگفتی بعضی از محافل علمی خارج شده‌است که چرا با گذشت چندین قرن از عمر بعضی از متون بی‌آنکه تجدید نظر و کنترل‌هایی در آنها صورت پذیرد، همچنان مورد استفاده واقع می‌شود. اگر چنین باشد که هست، محصول فعلی حوزه کسانی خواهند بود که برای چند قرن قبل مفیدند نه... چه اینکه متون فعلی ما مربوط به قرنهای گذشته است و فقهاء به تناسب زمان خود آنها را تالیف کرده‌اند.

آنچه در نظام آموزشی حوزه مسأله اصلی شمرده می‌شود این است که در نظام تحصیلی ما هیچ گونه تجدید نظری انجام نشده‌است. نظام آموزشی ما تقریباً همان نظام آموزشی زمان

مرحوم شیخ(ره) است. حوزه باید برای تدوین، تألیف یا انتخاب متن، گروهی تشکیل بدهد که پس از تبادل نظر و بررسی لازمه کتاب آموزشی حوزه را انتخاب کنند.

«در گذشته‌های دور آنچه کتاب را به عنوان یک متن آموزشی، البته در سطح مقدمات و کمی از سطح در می‌آورد یا با تصادف بود و یا احساس نیازی که می‌شد، بدیهی است که کتابی که تصادفاً یا پیرو یک نیاز ناگهانی برای امر تحصیل و تدریس برگزیده شود کتاب آموزشی نیست»^{۱۴}.

با اینکه پیشرفت و نوآوری و خلق و ایجاد آثار و افکار جدید با ذات آدمی عجین شده است و همان‌گونه که آدمی در دیگر صنایع و ... پیشرفت شایانی داشته‌است، به موازات آنها در کارزار اندیشه، فکر و قلم نیز پیشرفت‌های شایانی داشته است و این خود باعث شده که مراکز فرهنگی و دانشگاهی هر از چند گاهی در مسائل و متون درسی و آموزشی خود تجدید نظر کلی نموده و تحولات لازم را در سیستم آموزشی خود بوجود آورند.

ولی اگر این اندیشه‌های تابناک که از افتخارات بشمار می‌آیند و نتیجه بحث، کاوش و ژرف‌نگری علما و اسلاف ما بوده است - که خدا بر علو درجاتشان بیفزاید - در قالب و سبک و گویش‌های ادبی امروز درآید، فهمش آسان و صریح‌تر از آن خواهد بود که سر بسته و تلگرافی مطرح شود، چرا که در متون امروز اکثر وقت و مطالعه پژوهشگر

صرف یافتن مرجع‌های ضمایر و حل عبارات مشکل می‌شود... تا این حد این معضل گریبانگیر شده است که ناگزیر کتابهایی تحت عنوان مشکلات العبارة در چندین جلد به لیست کتابهای کمک آموزشی ما افزوده شده است!

چه بسا که حل یک عبارت پیچیده و فهم یک عبارت مشکل و نارسا، طلبه را از هدف اصلی که همانا فهم و درک مطلب و موضوع بوده باز می‌دارد و این مشکل تقریباً گریبان‌گیر اکثر متون درسی حوزه‌های علمیه است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیشگفتار علم الاصول شهید آیت الله صدر ج اول
۲. برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج سال تحصیلی ۷۱-۷۰
۳. مجله تندیشه شماره ۲
۴. مجله کیهان تندیشه شماره ۲۷
۵. کیهان تندیشه به نقل از آیت الله جناتی - بازسازی نظام درسی حوزه
۶. به نقل از سخنان مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج
۷. مجله حوزه به نقل از آیت الله علامه محمد حسین فضل الله
۸. علامه سید حسین فضل الله در مصاحبه با مجله حوزه
۹. مجله تندیشه - مصاحبه با آیت الله شمس
۱۰. مصاحبه مجله حوزه با استاد محمد تقی جعفری
۱۱. مصاحبه آیت الله جناتی در مجله کیهان تندیشه
۱۲. وسیت نامه سیاسی الهی حضرت امام ره
۱۳. مجله حوزه به نقل از آیت الله جناتی
۱۴. علامه سید حسین فضل الله به نقل از مجله حوزه